

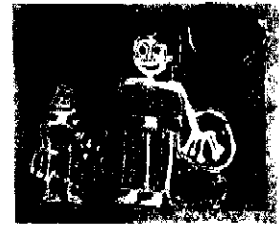


# نقاشی

## نابینایان



● مهوش سپهر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

همین نیازها هستند. مسلماً همه ما صدای ساز نوازندگان نابینا را شنیده ایم. نابینایان به دلیل تقویت قدرت شنوایی شان در غیبت یک حس دیگر، در قلمرو موسیقی موفقیت های بزرگی داشته اند و این امری طبیعی است و تعجب و تلاشی را هم بر نمی انگیزد. اما زمانی که سخن از هنرهای تجسمی برای نابینایان به میان می آید، موضوع جلوه دیگری می یابد. بی تردید نابینایان هم با استفاده از حواس دیگر خود، تصویری از جهان و زیبایی ها و زشتی های آن در ذهن خود دارند.

این تصویر مسلماً برای کسانی که نابینای مادرزاد

نابینایان گروه کثیری از افراد جامعه را تشکیل می دهند. امروزه در کشور ما ۳ درصد افراد نابینا یا نیمه بینا هستند. اما فقدان این توانایی به معنی نفی احساس زیبایی و قدرت بیان آنها نیست. نابینایان نیز مانند همه انسان ها، دارای فطرتی یکسان هستند. این فطرت از یک سری جاذبه های پایان ناپذیر به سوی کمال و زیبایی است و از سوی دیگر، میل به خداگونه شدن و نیاز خلاقیت را متجلی می کند. اغلب هنرها چیزی جز ترکیب این دو کشش فطری بین میل به زیبایی و نیاز به آفرینش در درون انسان ها نیست. نابینایان نیز همانند دیگر ممنوعان خود به دنبال ارضای

## در آموزش هنرهای تجسمی مربی بایستی با دقت و حوصله از دست‌های نابینا نهایت استفاده را به عمل آورد

همچون همه انسان‌ها حق دارد تا حد امکان از این نعمت برخوردار باشد. خوشبختانه با از کار افتادن یک حس، حواس دیگر تقویت می‌شوند، به طوری که تا حدود زیادی جای خالی آن را پر می‌کنند.

مهمترین معضل ورود نابینایان به عرصه نقاشی، تجسم رنگ برای آنان است. نگارنده با تکیه بر تجربیات و با توجه به حواس قوی نابینایان دست به تجربیات و ابتکارهای خاصی برای حل این مشکل زد تا بتواند با استفاده از حواس لامسه، چشایی، بویایی، شنوایی، امواج و... با بهره‌گیری از مبانی نظری رنگ و آنچه که در طبیعت وجود دارد، رنگ را برای نابینا مجسم کند و سپس با ایجاد این حس جدید نقاشی را به او بیاموزد. آنچه که در پی

می‌آید برقراری ارتباط بین رنگ‌ها و اشکال، رنگ‌ها و نوای موسیقی، رنگ‌ها و طعم‌ها و بالاخره رنگ‌ها و بوهای طبیعت است تا با مجموعه اینها و استفاده موردی از هر یک در نقاشی، دنیای رنگ بر روی نابینا گشوده شود. با حل این مشکل مرحله دوم تأمین ابزارها و تکنیک‌های مناسب برای نقاشی یک نابیناست که با بیان آنها و انتقال تجربیات این مهم می‌تواند تجلی پیدا کند.

### ضرورت آموزش هنرهای تجسمی برای نابینایان

وظیفه جامعه آن است که زمینه‌های تداوم حیاتی در شأن انسان را بر روی این بخش از پیکره خود فراهم سازد. بنابراین نابینایان همچون سایر انسان‌ها نیازهایی دارند که مهمترین آنها نیاز به تأمین معاش و نیاز به بیان خویش و متجلی ساختن آینه درون خود است. اگر آموزش هنرهای

بوده‌اند و هیچ تجربه بصری ندارند و آنها که پس از یک دوران بینایی به دلیل سوانح یا بیماری‌ها، چشم خود را از دست داده‌اند متفاوت است. با وجود این تفاوت، آنها این انگیزه را دارند که تصویر ذهنی و به تبع آن احساس درونی خود را با تجسم آن به دیگران منتقل کنند. بسیاری از مردم به ویژه هنرمندان نیز همواره کنجکاو هستند که بدانند و بشناسند که دنیا از دریچه‌های ذهن آنان چگونه است؟ این نیاز و کنجکاوای دو جانبه هنر تجسمی نابینایان را متولد می‌کند.

نابینایان برای این امر نیاز به ابزارها، روش و آموزش خاص خود دارند. سرمایه‌گذاری در این حوزه علاوه بر آنکه نقش سازنده‌ای در ارتقای روحی نابینایان و برقراری ارتباط بهتر جامعه با آنان و درک متقابل و سازنده‌تر دو بخش بینا و نابینای جامعه دارد، نقش اقتصادی قابل توجهی هم در ایجاد اشتغال برای نابینایان، پرکردن سازنده اوقات فراغت آنان و ارتقاء روحی و توانمندسازی آنان، با تقویت سایر حواس دارد. در این زمینه بیش از ۲۳ سال است که با نابینایان کارهای هنر تجسمی مثل نقاشی و سفال

را تجربه می‌کنم. این تجربه به راستی دنیای باشکوهی است. برای یک نابینا به ویژه آنان که به شکل مادرزاد از این نعمت محروم بوده‌اند مهمترین مشکل، تجسم مفهوم رنگ و کاربرد آن و وارد ساختن آنها به این دنیاست. دنیای رنگارنگ از بزرگترین نعمت‌های الهی است و یک نابینا

**معلمی که به جای متعلم خود  
کارها را انجام می‌دهد، کودک را از  
تجربه بزرگترین لذت زندگی که  
همان کشف کردن و خلق کردن  
امری جدید است، محروم می‌کند.**



عنوان: دو برادر  
عفت مجیب ۱۳ ساله  
پوشش‌گاه دانش‌آموزی و مطالعات فرهنگی



۵- استفاده از کامپیوتر و تهیه سخت افزارها و نرم افزارهای مناسب برای جبران ضعف بینایی و استفاده از این ابزار برای کارآمد کردن هرچه بیشتر نابینایان در زمینه صنایع دستی و به طور کلی راهیابی فناوری جدید در ارایه خدمت به نابینایان.

### ویژگی های مربی هنر برای نابینایان و روش های کار او:

معلمی که به جای متعلم خود کارها را انجام می دهد، کودک را از تجربه بزرگترین لذت زندگی که همان کشف کردن و خلق کردن امری جدید است، محروم می کند. بزرگترین وظیفه هر مربی به ویژه در زمینه نابینایان تقویت حس اعتماد به نفس آنان است. یک مربی خوب، روحیه ای پرنشاط و پراحساس دارد. هنرجویان خود را دوست می دارد و از کار کردن با آنها خسته نمی شود، به مسایل و مشکلات آنان گوش می دهد، با آنها همدردی می کند و حرکت خود را با سرعت فراگیری آنان منطبق می سازد. مربی خوب با آگاهی کافی، مطالعه مستمر، نوآوری، استفاده از آخرین دستاوردهای فناوری آموزشی و علوم مختلف زمینه شکوفایی بیشتر شاگردان خود را فراهم می کند.

در آموزش هنرهای تجسمی مربی بایستی با دقت و حوصله از دست های نابینان نهایت استفاده را به عمل آورد، نابینا با لمس آثاری که دیگران ساخته اند، و زیستن با مواد اولیه و ابزار کار در یک مدت طولانی کم کم وجود خود را توسعه می دهد و این ابزار و مواد را تبدیل به ادامه وجود خود می کند.

### چگونگی طراحی و رنگ نابینایان

برای نقاشی کردن و آموزش رنگ و طراحی به

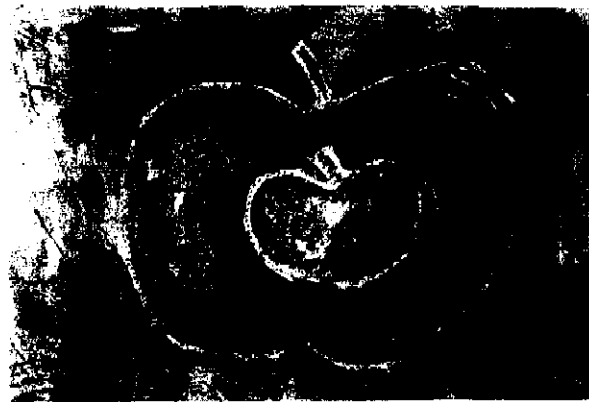
نابینایان از روش های زیر استفاده می کنیم:

الف) طراحی به سه روش ب) نقاشی و رنگ



عنوان فالیجه حضرت سلیمان

فاطمه زریفیان ۲۰ ساله



عنوان آفرینش

زهرا همایی ۱۸ ساله

تجسمی در برنامه آموزشی مدارس استثنایی نابینایان مانند موسیقی و سایر هنرها راه یابد، با جلب علاقه و کشف استعداد های نهفته بسیاری از آنان، این امر می تواند زمینه های مناسبی برای اشتغال آنان باشد. اما جنبه دوم آموزش هنرهای سنتی در نقش این دسته ها به عنوان هنر است. هنر برقراری ارتباط با خود و دیگران بر مبنای والاترین احساسات انسانی است. بدون هنر، زندگی سرد و خالی است در نزد نابینایان هنر به عنوان یک وسیله ارتباط با خود و دیگران اهمیت بیشتری می یابد، هیچ برنامه آموزشی بدون وجود هنر کامل و مؤثر نیست. اگر برنامه آموزشی خوب تنظیم شده باشد، نقش مؤثری در شکل گیری شخصیت، احساسات عواطف و ابعاد عقلی کودک دارد و به ویژه در انطباق کودک نابینا با شرایط استثنایی خودش نقش تعیین کننده دارد. با این وصف شایسته است در برنامه آموزشی مراکز نابینایان تجدید نظر شده و هنر و صنایع دستی موقعیت ممتاز تری را کسب نماید.

### راهکارهای پیشنهادی عبارت اند از:

۱- تربیت سازمان یافته مربیانی برای آموزش هنر و صنایع دستی به نابینایان با اشراف کامل آنان به رشته های هنری مورد نظر و مسایل آموزش نابینایان.

۲- تأسیس مراکز ویژه آموزش به نابینایان برای حرفه ها و هنرها و قرار دادن این رشته ها در این مراکز.

۳- اختصاص بخش بیشتری از ساعت های درسی مدارس استثنایی به کارهای هنری و دستی و شناسایی استعداد های برتر در این رشته ها و هدایت آنان به این رشته ها به طور خاص در مقاطع بالاتر.

۴- تخصیص بودجه مناسب برای ایجاد امکانات، فضا های آموزشی و به ویژه پژوهش در امر چگونگی توسعه و تعمیق هنر و صنایع دستی بین نابینایان و ایجاد ابزار خاص آن.

## اگر آموزش هنرهای تجسمی در برنامه آموزشی مدارس استثنایی نابینایان مانند موسیقی و سایر هنرها راه یابد، با جلب علاقه و کشف استعداد های نهفته بسیاری از آنان، این امر می تواند زمینه های مناسبی برای اشتغال آنان باشد.

الف (۱) به وسیله قلم های بریل که از سوزن های نوک تیز درست شده است و نوک های آن از نازک و تیز تا ضخیم است و از قلم ۱ الی ۱۲ شماره گذاری شده است. در این روش رنگ ها را بیشتر به صورت خالص و پهن و فاقد پرسپکتیو استفاده می کنند و از سایه روشن استفاده نمی کنند.

در این نوع نقاشی بیشتر از مقوا استفاده می کنند و در زیر آن از صفحه های پلاستیکی که می تواند کاملاً برجستگی را مشخص کند قرار می دهند. این وسایل در سال ۶۵-۷۱ توسط (نگارنده) اختراع شده است.

الف (۲) طراحی با استفاده از برجسته نگار:

در این روش که بیشتر برای بوم استفاده می شود، ماده مخصوص چسب مانندی که حالت زبری دارد، در قلم هایی که مثل خودنویس است پر می کنیم (این وسیله در سال ۷۳ توسط نگارنده اختراع شده است) و با حرکت دادن و فشار مختصری مواد مخصوص از آن خارج می شود که با کشیدن شکل بر روی بوم این خطوط برجسته است. حد فاصل برجستگی ها را رنگ آمیزی می کنند. این قلم ها از ۱ الی ۶ می باشد که بستگی به نقاشی شماره یک که قلم ظریف و خطوط نازک برجسته را می کشند و شماره ۶ آن خطوط کلفت و ضخیم نقاشی را می کشند و با توجه به استفاده نابینایان از خطوط مورد استفاده قرار می گیرد.

برای کشیدن طرح به وسیله این قلم ها باید چند دقیقه ای صبر کرده تا خشک شود، سپس اقدام به نقاشی و رنگ آمیزی کنند. می توان در طرفین رنگ لامسه ای، موسیقی، چشایی و بویایی کدگذاری استفاده کنند.

الف (۳) طراحی به وسیله زبان:

ممکن است نابینایی از داشتن دست محروم باشد و

حس انگشتان پا به اندازه ای نباشد که بتواند طراحی و نقاشی کنند، به این دلیل از رنگ های خوراکی استفاده می کنند، مقداری از زبان خود را در رنگ فرو می کنند و مستقیماً بر روی بوم آن احساسی را که دارند طراحی و هم زمان نقاشی می کنند. ب (۱) شناخت رنگ یا طعم رنگ و مزه رنگ:

این رنگ ها هیچگونه زینتی برای بدن ندارند و با آزمایش های مختلفی که در سال ۷۳ صورت گرفته و به ثبت اختراعات رسیده است، نابینایان عزیز و معلولان جنگی می توانند از این رنگ ها استفاده کنند و بدون استفاده از دست فقط با چشیدن رنگ ها که هر رنگی طعم مخصوص خود را دارد از رنگ مورد نظر استفاده کنند.

ب (۲) شناخت رنگ ها به وسیله ایجاد بافت:

نابینایان به وسیله ایجاد بافت در رنگ ها که با استفاده از مش های پودر سمباده ژاپنی از بین ۶۰ الی ۲۴۰ می باشد استفاده می کنیم که هر کدام زبری مخصوص خود را دارد و نابینا به آسانی یا حس لامسه می تواند رنگ ها را تشخیص دهد.

ب (۳) شناخت رنگ ها به وسیله کدگذاری:

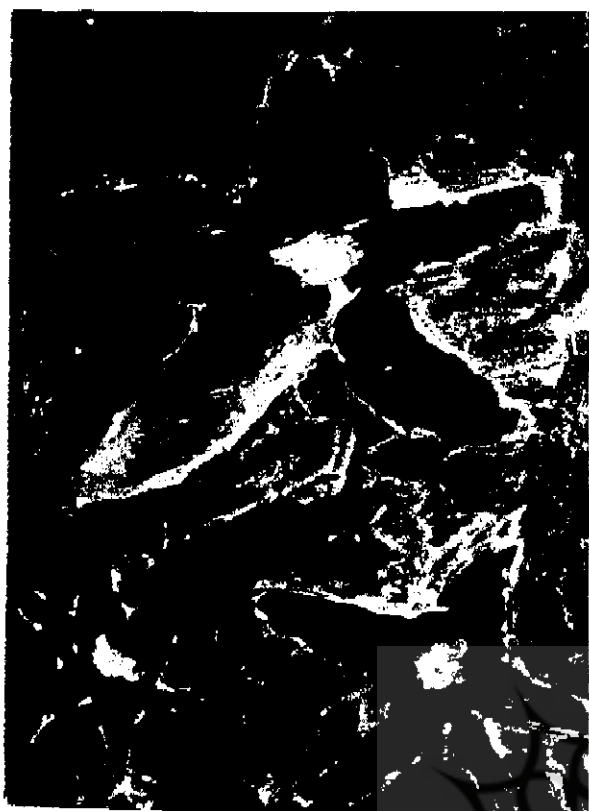
به وسیله کدگذاری بر روی رنگ ها، هفت رنگ اصلی داریم: ۱- رنگ سرخ شنبه ۲- رنگ نارنجی یکشنبه ۳- رنگ زرد دوشنبه ۴- رنگ سبز سه شنبه ۵- رنگ



عنوان: آوای موسیقی

زهره هایمانی ۱۸ ساله





عنوان گل‌های قرمز  
پرسو و ولد حاتی ۱۵ ساله

آبی چهارشنبه ۶- رنگ نیلی پنج‌شنبه  
۷- رنگ بنفش جمعه ۸- رنگ قهوه‌ای (هفته کامل)  
نابینایان با استفاده از رنگ‌های کدگذاری شده می‌توانند  
رنگ را بردارند و استفاده کنند (کدگذاری ایام هفته یا کدگذاری  
شماره‌ای یا سفید، قرمز و... و کدگذاری نوشتاری).

ب(۴) حس بویایی:  
به وسیله حس بویایی نابینایان می‌توانند رنگ را  
احساس کنند. به عنوان مثال رنگ قرمز، گل سرخ، سفید  
بوی عطر گل یاس، زرد بوی زردچوبه، سیاه و بوی فلفل  
سیاه، سبز بوی لیمو ترش را می‌دهد.

ب(۵) شناخت رنگ‌ها با استفاده از طرح موج رنگ:  
نقاط حساس کامپیوتر قادر است که طول موج  
رنگ‌ها را احساس کنند و با اتصال صفحه‌ای به دست  
نابینایان و با ایجاد ارتعاش‌هایی که بر روی دست آنها انجام  
می‌شود و یا به وسیله کامپیوتر گویا، رنگ را احساس کنند و  
خود طراحی و نقاشی کنند.

طول موج رنگ‌ها سرخ ۶، نارنجی ۸، زرد ۹، آبی ۴،  
میثی ۳، سفید ۱۲ و سیاه صفر است که با ارتعاشات ۶ و ۸ و  
یا صفر نابینا می‌تواند رنگ را تشخیص دهد یا به وسیله  
ارتعاشات رنگ، فضای اطراف خود را تجسم کند.

عنوان: پرتو خود نقاش  
سپهر کیومرثی ۱۶ ساله



برای یک نابینا به ویژه  
آنان که به شکل مادرزاد از  
این نعمت محروم  
بوده‌اند مهمترین  
مشکل، تجسم مفهوم  
رنگ و کاربرد آن و وارد  
ساختن آنها به  
این دنیا است.